

# هنرنامه دوره نهمیست هر شاه عباس بزرگ

دکتر عیسی بهنام  
استاد دانشگاه تهران

بعداً در ضمن شکستی که از مرشد قلی خان حاکم مشهد به علیقلی وارد آمد ناچار شد عباس را به او بسپارد و کودک به مشهد آورده شد.

پس از مرگ حمزه میرزا پسر ارشد محمد خدابنده (۹۹۵ قمری) (۱۰ آذر) سرداران شاملو ابوطالب میرزا را که سومین پسر شاه بود به پادشاهی برگزیدند.

عباس جوان به همراهی مرشد قلی خان و عده‌ای از ترکمانان و قبایل افشار به قزوین رفت و در ضمن راه عده‌ای دیگر نیز با او همراه شدند.

خدابنده در آن موقع در شهر قم مشغول سرکوبی مخالفان بود و مردم قزوین با آغوش باز شاهزاده را پذیرفتند و پس از اندک زمانی بیشتر سران نظامی خدابنده و ابوطالب میرزا به شاهزاده جوان پیوستند.

خدابنده به قزوین آمد و پادشاهی پسرش را تأیید کرد. تعجب در این است که شاه عباس دو سال بعد از این واقعه دستور کوز کردن پدرش طهماسب و برادرانش ابوطالب میرزا و طهماسب میرزا را صادر کرد و آنها را به قلعه‌ای در الموت فرستاد.

این امر را زیاد هم به قسوت قلب شاه عباس نباید نسبت داد چون در آن موقع سرداران قزل‌باش قدرت بسیار داشتند و کافی بود پادشاه ضعیف یا کودک‌کی را که نسب پادشاهی داشت در اختیار خود بگیرند و به نام او قیام کنند. بنابراین عمل شاه عباس از نظر مصلحت‌کشورداری منطقی بود و نباید امروز زیاد باعث تعجب ما گردد.

پس از آن به غلامان دستور داد ۲۲ نفر از سران قزل‌باش را به قتل برسانند و به این طریق از ابتدا جلوی پیشرفت بعضی از امرای خودسر قزل‌باش را گرفت. سپس با دوشاهزاده خانم صفوی ازدواج کرد ولی نه قتل امرا و نه سروصدای جشن عروسی مانع از این نشد که پادشاه جوان متوجه وضع بد

پس از مرگ شاه طهماسب وضع سیاسی کشور ایران بصورت خیلی بدی درآمد بود ولی از آنجایی که همواره خداوند حامی ایران بوده است مجدداً با روی کار آمدن جوان ۱۷ ساله‌ای که بعدها شاه عباس بزرگ شد مملکت نجات یافت.

شاه عباس بزرگ (۹۹۶ تا ۱۰۳۹ هجری قمری) در هرات در روز اول ماه رمضان سال ۹۷۸ هجری قمری بدینا آمد (۱۶ بهمن). وی دومین فرزند خدابنده بدبخت بود که بعد از پدرش شاه طهماسب به پادشاهی رسید ولی سرداران قزل‌باش به او فرصت پادشاهی ندادند. مادر شاه عباس مهد علیا از یکی از خانوادگی‌های معروف مازندران بود و ادعا میکرد که از خاندان حضرت امیر علیه السلام است.

او وقتی یکساله بود پدر و مادرش به شیراز رفتند و آن کودک در هرات ماند و او را بنا بر توصیه پدر بزرگش شاه طهماسب به لله‌ای بنام شاه‌قلی سلطان سپردند و این لله هنگام پادشاهی رسیدن اسمعیل دوم در تاریخ ۹۸۴ هجری قمری بقتل رسید و بنا بر دستور شاه اسمعیل علی‌قلی خان شاملو حاکم خراسان مأموریت یافت عباس را به قتل برساند.

علیقلی خان در انجام این مأموریت تعلل کرد و شاه اسمعیل دوم در تاریخ ۹۸۵ کشته شد. در آن موقع محمد خدابنده پادشاه شد و همسر او مهد علیا از علیقلی خان خواست که پسرش عباس را به قزوین بفرستد ولی علی‌قلی خان که علاقه داشت شاهزاده‌ای از خاندان پادشاهی را در اختیار داشته باشد از انجام این کار سرپیچید. حکومت قزوین ناچار شد در تاریخ ۹۸۸ قشونی به هرات بفرستد تا علی‌قلی خان را وادار به این کار کند ولی علی‌قلی خان آن قشون را شکست داد و شاه عباس را شاه ایران خواند. محمد خدابنده ناچار شد شخصاً با قشونی به خراسان برود ولی جنگی بین او و علی‌قلی خان در گرفت و حکومت خراسان بنام علی‌قلی خان تأیید شد و سمت للگی به او داده شد.



راست : شاهزاده جوانی که سازی می نوازد - در حدود ۹۹۴ هجری نقاشی شده بیشتر جنبه کاریکاتور دارد و معلوم نیست کار کیست - موزه بریتانیا  
چپ : مجلس شکار - در حدود ۹۹۴ هجری نقاشی شده - یکی از شاهکارهای نقاشی ایران است - موزه هنرهای زیبای بوستون



و مرد و کودک و سالخورده گان را به قتل رسانیدند و پس از اینکه شهر را ویران نمودند عده‌ای را اسیر کرده بطرف بخارا روان کردند و شهرهای هرات و نیشابور و سبزوار و اسفراین نیز از خرابی‌های آنها مصون نماندند .

هنگام به تخت نشستن شامعباس شیروان و گرجستان و ایروان و قراباغ و تبریز و قسمتی از آذربایجان و لرستان و خوزستان نیز بدست پادشاه عثمانی افتاده بود .

در تاریخ ۹۹۵ سردار عثمانی فرهاد پاشا قشون ایران را در بغداد شکست داد و گنجه و قراباغ را گرفت و تقریباً نیمی از کشور شامطهماسب به این طریق از دست رفت .

شامعباس با سلطان مراد سوم در سال ۹۹۹ صلح کرد و سپس به سرکوب کردن مخالفان خود در داخل کشور پرداخت و به شیراز و کرمان و گیلان و خرم‌آباد و لرستان لشکر کشید و در سال ۱۰۰۷ به نیشابور و مشهد لشکر کشی کرد و از بک‌ها را شکست داد و هرات را متصرف شد و در سال ۱۰۹۰ آنها را از مرو نیز بیرون کرد و در سال ۱۰۱۱ تصمیم گرفت بلخ را نیز متصرف شود ولی گرمای شدید و امراض مسری صدعات زیاد به لشکریانش زدند و از این لشکر کشی نتیجه سودمندی نگرفت .

کشورش باشد .

در این موقع از مشرق و مغرب ایران مورد خطر قرار گرفته بود . در مشرق عبدالله خان ازبک به خراسان هجوم آورده بود و شهر هرات را محاصره کرده بود و علی‌قلی خان شاملو از شهر دفاع میکرد . شامعباس دیر رسید و هرات بدست ازبک‌ها افتاد و عسکریان را به قتل رسانیدند و زنها را به اسارت بردند و شهر را غارت کردند و وقتی شامعباس به هرات نزدیک شد آنها با غنایم به محل اصلی خود مراجعت کردند و شامعباس دستور داد سردارانی را که خیافت کرده بودند به قتل برسانند سپس مریض شد و ناچار شد مدتی بخواهد و ازبک‌ها از این موقعیت استفاده کردند و پادشاهشان عبدالعزیز بن عبدالله خان از بخارا حرکت کرد و مشهد را محاصره نمود و پس از چهار ماه آنرا مسخر کرد (۹۹۹) و تمام روحانیان شیعه را به قتل رسانید و به مرقد مطهر بی‌احترامی کرد و آنرا غارت نمود و آثار گرانبهایی را که در مدت چندین قرن در آن محل گرد آورده شده بود از بین برد . کتابخانه آستانه را نیز مورد تجاوز قرارداد . حتی بعضی قبرها مانند قبر شامطهماسب را شکافتند و به استخوان‌های او بی‌حرمتی کردند . تعدادی زن

در تاریخ ۱۰۱۲ تبریز و نخجوان و ایروان و گرجستان را مجدداً از سلطان عثمانی پس گرفت و کاپیتان پاشا شیغالزاده را شکست داد و از آن تاریخ شاه عباس همواره در جنگ با لشکریان سلطان فاتح بود و بالاخره در تاریخ ۱۰۲۲ در اسلامبول بین سلطان احمد اول و شاه عباس معاهده صلحی برقرار شد و آذربایجان و شیروان و ایروان و کرستان و بغداد و کربلا و نجف و موصل و دیار بکر رسماً جزو کشور ایران گردید.

شاه عباس در تاریخ ۱۰۳۲ قندهار را نیز متصرف شد و با جهانگیر پادشاه هند از در دوستی درآمد و ضمناً امام قلی خان نیز با کمک کشتی‌های انگلیسی جزیره هرمز را پس گرفت.

شاه عباس در داخل کشور خود قدرت‌های ملوک الطوائفی را از بین برد و بجای قزلباش‌ها شاهسون‌ها را بوجود آورد. وی چنین صلاح دید که اصفهان را بجای قزوین به عنوان پایتخت انتخاب نماید و از سال ۱۰۰۶ به بعد مشغول ساختن ابنیه و کاخ‌ها و مساجد در آن شهر گردید. در آن موقع اصفهان ۸۰۰۰۰ نفر جمعیت داشت و در آن کاخی به نام نقش جهان ساخته شده بود. شاه عباس نقشه جامعی برای بزرگ کردن شهر ترتیب داد و خیابان‌های وسیعی در آن قرارداد و پهل زاینده رود را ساخت و بازارهایی بوجود آورد که هنوز باقی است. و همانطور که میدانید عالی‌قاپو و مسجد شاه را در کنار میدان

راست : صحنه‌ای از هفت اورنگ جامی - ۹۶۴ در مشهد نقاشی شده - یکی از زیباترین صحنات نقاشی ایران و موضوع آن پیاده شدن دودلپاخته به جزیره خوشبخت است و از نمایه آن با پیاده شدن عشاق در جزیره سیستر اثر نقاش معروف فرانسوی « واتو » نمیتوان خودداری کرد .  
 ظرافتی که در این نقاشی بکاررفته کمتر از ظرافت استاد هنر مند فرانسوی نیست - فریر گالری واشنگتن  
 چپ : صحنه‌ای از دیوان حافظ - در این مجلس معاشرت باک دنیا هنر و شعر دیده میشود و در تاریخ ۹۴۰ برای شاهرزاده صنوی سام میرزا مشوق هنر و ادبیات تصویر شده . بعدها در زمان شاه عباس دوم از این مجلس بسیار تقلید شده - مجموعه خصوصی در کمبریج





راست : مجلس معاشقه کار یوسف الحسینی حدود ۱۰۴۰ هجری نقاشی شده . نقاش در زمان شاهعباس دوم شهرتی داشت . ۴۴ اثر به اعضای او اکنون درموزه‌های مختلف جهان است . سبک کار او تقلیدی از کار رضای عباسی است ولی به پایه زیبایی کارهای استاد نمی‌رسد . احتمال دارد که تعدادی از نقاشی‌های دیوار کاخ چهل‌ستون نیز ازین نقاش باشد - مجموعه مرگان در نیویورک  
چپ : از کتاب عجایب المخلوقات - تاریخ ۱۰۴۴ در زمان تصویر شده - امضا ندارد ولی ۴۰ سال بعد ازین تاریخ معین تصور در خراسان صفحاتی شبیه به این صفحه به وجود آورد که به نظر شاهگلرخی از هنر نقاشی ایران است - موزه بالتیمور

## رتال جامع علوم انسانی

شیخ‌زاده اهل خراسان بود و یکی از شاگردان او عبدالله مصور بود که او هم خراسانی بود و از نقاشان معروف بشمار میرفت .

آقا میرک تبریزی هم شاگرد دیگر بهزاد بود ، با اینکه بعضی‌ها در این گفته تردید کرده‌اند . سلطان محمد همکار بهزاد بود و مدتی در زمان شاه‌مهماسب ریاست کتابخانه پادشاهی را برعهده داشت . محمد مذهب همزمان این نقاش بود و تمام اینها به سبک و شیوه بهزاد کار میکردند . سلطان محمد پسری داشت به نام محمدی که شاگردش بود و تخصص او در تهیه پست جلد های رنگ و روغنی زیر لاک و نقاشی مجالس پر جمعیت بود .

بزرگ شاه بنا نمود که در زمان خود جزو زیباترین میدان‌های جهان بود .

مقصود از بیان اتفاقاتی که شاه‌عباس را به آن درجه قدرت رسانید و ایرانی بوجود آورد که امروز ما به آن افتخار میکنیم این بود که خوانندگان متوجه باشند که شاه‌عباس فقط کارش این نبود که در خانه‌اش بنشیند و به کار خوشنویسان و نقاشان بپردازد . هنر ایران صرف‌نظر از وقایع سیاسی راه خود را پیش گرفته بود و هر روز به پیشرفت خود ادامه میداد .

دیگر بهزاد سرپرستی نقاشان را نداشت . شیخ‌زاده شاگرد او هم این دنیا را وداع گفته بود .



راست : صفحه‌ای از قیاس‌الکلبیای نیشابوری که حضرت موسی و هارون را نشان میدهد . اثر آقارضا - در حدود ۹۹۹ تا ۱۰۰۹ نقاشی شده - آقارضا غیر از رضای عباسی است که در مقاله‌ای جداگانه باید از آن صحبت کرد . نقاش همزمان با شاه‌عباس و احتمالاً دارد قسمتی از نقاشی‌های سقف عالی‌قاپوی اصفهان از او باشد ( انشاء مشق آقارضا در بایگین صفحه ) - کتابخانه ملی پاریس  
چپ : صفحه مجزائی که توسط آقارضا نقاشی شده و درست چپ صفحه نوشته شده ( مشق‌گترین آقارضا )

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

محمد نقاش - دیوانه تبریزی - دوست دیوانه - دوست محمد بن سلمان نظام‌الملک - زین‌العابدین - جنید - حبیب‌الله مولانا اهل ساوه - حسن‌علی - حیدرعلی - حیدر دولت میرزا محمد - حسین قزوینی - حسام‌الدین - عبدالعزیز - عبدالجبار - عبدالسمد - عبدالوهاب - عبدالمعصوم میرزا - علی‌اصغر - علی‌دوست - علی‌ابن‌نظام - سیاوش‌بیک - سلطان‌محمد - سراج‌الدین قاسم - شاه محمد - شاه‌قلی - شمس‌الدین - شیخ محمد مولانا - صادق‌بیک - شیخ کرمانی - شیخ‌زاده - طهماسب شاه - کافی - کمال‌الدین علی‌القنار - کمال‌الدین حسین - کمال‌الدین مولانا - کمال‌تبریزی - ملک‌قاسم - مانی شیرازی -

اسکندر منشی نامی از او برده است .  
ما فقط نام نقاشانی را که در زمان پیش از پادشاهی شاه‌عباس یعنی در زمان شاه‌اسمعیل و شاه‌طهماسب شهرتی داشته‌اند ذکر می‌کنیم و اگر این مقاله مورد پسند بود ممکن است در شماره‌های آینده یک‌یک آنرا بطور مفصل معرفی نماییم . این نقاشان بر ترتیب الفبا بقرار زیرند :  
احمد قاضی - احمد قزوینی - احمد شیخ - ابراهیم میرزا - اسمعیل پسر شاه‌طهماسب - باباجاجی - بهرام افشار - بهرام میرزا - بهرام‌قلی افشار - بهزاد کمال‌الدین - برج‌علی اردبیلی - درویش حسین نقاش - درویش محمد مولانا - درویش

مقصود - ميرك آقا - ميرمصور - ميرنقاش - ميرسيدعلی تبریزی - میرعلی مولانا تبریزی - میرمحمد - میرزاشاه حسین - محمدعلی - محمد هراتی - محمد معین - محمدی - مظفرعلی مولانا - مراد دیلمی - نیاتی تبریزی - تقدی بیگ - ناصر خواجه - ولی مولانا - یوسف ملا .

بسیاری از این نقاشان در زمان شاه عباس نیز زنده بوده‌اند و برای او کار میکرده‌اند ولی سبک کارشان بطور کلی دنباله سبک کار بهزاد و به شیوه نقاشی قرن دهم در هرات و شیراز بوده است .

در زمان شاه عباس از شیوه‌های قدیمی تقلید میشد ولی پیشرفتی در آن شیوه حاصل نگردید و نقاشان آن دوره جز روسازی از کار استادان قدیمی نمی‌کردند . نقاشی رنگ و روغنی هنوز وارد هنر ایران نشده بود و تنها برای پشت جلدها و قلمدان‌ها و جعبه‌های جواهرات از آن استفاده می‌کردند . نقاشی همواره با کمال ظرافت انجام میگرفت ولی پرسپکتیو مورد توجه نقاشان نیست . سایه و روشن در نقاشی وجود ندارد و از تمام تصنعاتی که در آن زمان در نقاشی اروپا معمول بود خالی است ولی آیا نقاشان امروزی تصنعات را کنار نگذاشته‌اند و مطابق اصول نقاشی ایرانی در عهد شاه مذهب و شاه عباس کار نمیکنند؟ ولی در عوض رنگ‌هایی که نقاشان بکار برده‌اند حتی برای شخصی مانند شاردن که نقاشی ایرانی را سخت تنقید کرده است بسیار جالب بنظر آمده است .

مسافران دیگری نقاشی دیواری کاخ‌های اصفهان را با دیده عبرت نگریسته‌اند . انگلبرت آلمانی پزشکی بود که همراه سفارت شارل یازدهم پادشاه سوئد در زمان شاه سلیمان به ایران آمد . وی در کاخ چهل ستون مدتی دو تابلوی نقاشی ایران را که مربوط به تاریخ این کشور بوده است نگریسته از تناسب رنگ‌های آن لذت میبرد . در کاخ خلوت بیگ نیز نقاشی‌های دیواری توجه او را جلب می‌نماید .

دردوران شاه عباس تحول فوق‌العاده‌ای در هنر نقاشی ایران بوجود آمد و روش‌های جدیدی پدیدار شد . هنر نقاشی اروپایی پیش و کم هنر نقاشی ایران را تحت تأثیر قرار داد و در اواخر دوران صفوی پرتره سازی با تصویرسازی نیز معمول گردید .

امروز وقتی ما از نقاشی دوران صفوی صحبت میکنیم بیشتر نظرمان صفحات مصور است ولی امرا و پادشاهان و بزرگان آن زمان از نقاشی‌های دیواری که تقریباً تمام دیوارهای داخل کاخ‌هایشان را میپوشانید لذت میبردند .

رضای عباسی و آقا رضا سبک بخصوصی بوجود آوردند که در آن خط پیش از رنگ اهمیت داشت و با چند حرکت قلم مو دختران زیبایی نقش میکردند که تمام خصوصیات زیبایی‌های

زنان ایران در آن جمع بود و ضمناً حرکات و حالات اشخاص را مطالعه کردند .

درواقع پیش از رضای عباسی نقاشی بیشتر جنبه تزیینی داشت و به حرکات و حالات اشخاص کمتر توجه میشد در حالی که در دوران شاه عباس به حالت و حرکات اشخاص توجه میشد . بعلاوه سابقاً نقاشی برای تصویر صفحات بود و بنابراین لازم بود ارتباطی با متن کتاب داشته باشد ولی در زمان شاه عباس صفحات نقاشی شده ارتباطی با متن ندارند بلکه فقط برای حظ چشم ساخته شده‌اند .

ذیلاً تمام نقاشان این دوره را فقط برای ذکر نامشان ارائه میدهم و شاید در آینده توفیقی دست دهد که آنها را یک معرفی نمایم :

آقانوایان که با معین مصور کار میکرد - آقارضا - اسدالله شیرازی - افضل تونی - بهرام عباسی - درویش حیدر - قلیلیپ آتزل هلندی - حبیب‌الله مشهدی - حیدرقلی نقاش - علی‌قلی ابن شیخ عباس - علی‌قلی بیگ چویدار - عنایت‌الله اصفهانی - ژان نقاش هلندی - ژول نقاش یونانی - کمال - خیرات خان - لویرون نقاش هلندی - لوکار نقاش هلندی - ملک حسین اصفهانی - منوچهر - میریوسف - میرزا محمد الحسن خانی - محمدعلی پسر ملک حسین اصفهانی - محمد اکبر - محمد حسین - محمد مصور - محمد قاسم - محمد رضا - محمد سلیم تبریزی - محمد یوسف الحسینی - محمد زمان - محسن - مظفرعلی - معین الدین - معین مصور - مراد ابن علی - پرویز - پیر محمد الحافظ - قاسم - قدرت‌الله - رضای عباسی - رضا قاریایی - رضای مصور - صادق بیگ - صالح مذهب نقاش - شیخ عباسی - شیخ محمد مولانا - سیاوش بیگ - سلطان علی شوشتری .

خوانندگان محترم ملاحظه فرمودند که در این مقاله فقط نام نقاشان داده شد ولی برای مطالعه کار هر کدام از آنها احتیاج به نشان دادن کارهایشان هست . متأسفانه ما از کار تمام این نقاشان عکس‌های قابل توجهی نداریم که در این مقاله نشان بدهیم ، چون اولاً قسمت عمده این کارها در موزه‌های خارج از مملکت ماست و ما عکس از آنها نداریم و ثانیاً گاهی عکس‌هایی که در دست است آنطور واضح نیست که بتوان آنرا در این مجله نشان داد .

در صورتی که خوانندگان مایل باشند ممکن است شرح حال هر یک از نقاشان را با کارهایی که از آنها باقی مانده و در موزه‌های خارجی است فقط نام ببریم ولی بنظر بنده اینطور میرسد که این کار برای خوانندگان خسته کننده باشد . بهرحال در این شماره فقط چند عکس از بعضی از نقاشان معروف ارائه داده میشود و اضافه میشود که این عکس‌ها در اصل رنگین‌اند و چاپ سیاه و سفید آن آنطور واضح نیست که باید زیبایی‌های آنها را نشان میدهد .